



چکیده:

سالگرد انقلاب مشروطه بیانگر مبارزات همیشگی مردم ایران علیه استبداد است که با مجاهدت‌ها و کوشش‌های فراوان به پیروزی رسید، ولی برای دست یافتن به هدف غایی آن یعنی حکومت مردم بر مردم همچنان مبارزات مردمی آن ادامه دارد. این نوشتار می‌کوشد سه دیدگاه متفاوت در قبال مشروطه در همان دوران را بررسی کند و پس از آن به بررسی موضع علامه غروی در این باره می‌پردازد. وی که در آن زمان تنها یک سال داشت، بعدها به یکی از بزرگترین نظریه‌پردازان مسلمان در این زمینه مبدل گشت.

کلیدواژه‌ها: انقلاب مشروطه - آیت الله میرزای نایینی - آخوند خراسانی - سید محمد جواد غروی - آزادی - عدالت - حضرت علی (ع) - مبانی حقوق - اسلام - قرآن - روشنفکران - روحانیون - مبارزات - سلطنت - حکومت

۱۴ مرداد یادآور پیروزی انقلاب تاریخی مشروطه در سال ۱۲۸۵ هجری خورشیدی است. انقلابی که حاصل مجاهدت‌های فراوان ملت ایران در برابر استبداد و استثمار بود. لیکن موضع افراد و گروه‌های مختلف در برابر اصل مشروطیت بسیار متفاوت بود که می‌توان آن را در سه دسته تقسیم‌بندی نمود.

۱- گروه اول غرب‌زدگانی هستند که مقلد بی‌چون و چرای حکومت‌های خارجی همچون انگلیس بودند. اولین ایرانیان فرنگ دیده با حسرت و حیرت به غرب می‌نگریستند و در مقابل پیشرفت‌های شگرف تمدن غربی، انگشت حیرت به دندان می‌گزیدند. اینان که نتوانستند شناخت دقیق و بنیادینی از مبانی نظری توسعه و رشد تمدن غربی داشته باشند، به سرعت مجذوب آن شده، ضمن تقلید از ظواهر فرهنگ غربی، اغلب جذب سازمان‌های وابسته و مخفی شده یا در دستگاه‌های حکومتی در خدمت اهداف و منافع دولت‌های بیگانه قرار می‌گرفتند. میرزا صالح شیرازی و میرزا ابوالحسن خان ایلچی دو نمونه بارز این گروه به شمار می‌آیند.

۲- گروه دوم اسلام‌گرایان مخالف مشروطه بودند که دین را ضد مشروطیت می‌دانستند و نمی‌توانستند میان مشروطیت و شرع رابطه منطقی برقرار کنند. ایشان منتقد و گاهی مخالف مشروطیت بودند. شیخ فضل‌الله نوری که خود از رهبران جنبش تنباکو و قیام مشروطه بود و بعداً به مخالفت با آن برخاست و نیز آیت‌الله سید کاظم یزدی از مراجع بنام نجف، نمونه‌هایی از این دست می‌باشند.

وجه شباهت گروه اول و دوم اعتقاد ایشان به تقابل مشروطه با شرع مقدس است. به عبارتی دسته نخست لازمه برقراری مشروطیت را حذف اسلام از جامعه ایران و گروه دوم مشروطیت را مانع برقراری احکام اسلام می‌دانستند.

۳- و اما گروه سوم تضاد و تقابلی میان مشروطیت و اسلام قائل نبودند. گرچه می‌توان این گروه را به دو بخش علماء روشنفکر و مشروطیت خواه و روشنفکران دینی تقسیم نمود، اما در حقیقت میان این دو



دسته تفاوت‌های فاحشی وجود ندارد. لازمه عالم روشنفکر و یا روشنفکر دینی بودن، شناخت صحیح دین و نیز مشروطه اصیل است. کسانی که این دو را خوب شناخته‌اند نیک متوجه گشته‌اند که معنی و روح این دو مقوله تضادی با یکدیگر ندارد.

آیت‌الله میرزای نایینی از مشهورترین علماء طرفدار مشروطه به شمار می‌آید که از حمایت مراجع بزرگ نجف همچون آخوند خراسانی، مازندرانی و میرزا خلیل‌تهرانی برخوردار بود و آراء خویش را در اثری ماندگار به نام «تنبيه الامه و تنزيه المله» نگاشته است. این کتاب استوارترین متن نظری در دفاع از مشروعیت دینی نظام مشروطه و همچنین یکی از آثار ماندگار اندیشه سیاسی شیعه محسوب می‌شود. وی در این کتاب می‌کوشد تا مفاهیم مدرن سیاسی و مبانی نظری مشروطیت را با استناد به سنت‌ها و متون دینی تبیین نماید. به نظر نایینی مبانی نظام مشروطه در اسلام وجود داشته، ولی در اثر جهالت و انحطاط مسلمانان مهجور مانده است. وی معتقد است اصل محدودیت قدرت و سلطنت از ضروریات دین است. او برای توجیه پارلمان، قانونگذاری و رأی اکثریت به سنت شورا در اسلام اشاره می‌کند و همچنین برای دفاع از برابری و آزادی، با ذکر شواهدی از سنن و متون اسلامی آنها را از اصول مسلم دینی برمی‌شمارد. وی آزادی را آزادی از عبودیت پادشاهان و قدرتمندان خودسر می‌داند و نه آزادی از احکام دینی و عبودیت الهی. وی همچنین برابری را به مساوات و برابری تمام افراد و حاکمان در جمیع حقوق و احکام در پیشگاه قانون معنا می‌کند. نایینی بر این باور است که شرعی بودن قوانین مجلس شورای ملی با حضور عده‌یی از مجتهدان آگاه به سیاست در میان نمایندگان تأمین خواهد شد.

آیت‌الله غروی نیز گرچه در آن زمان فقط یک سال داشته است اما بعدها به یکی از بزرگترین نظریه‌پردازان مسلمان در این زمینه مبدل گشت. شاید حکیم غروی در فروع نظریات خویش با علمائی همچون میرزای نایینی اختلافاتی جزئی داشته باشد ولی از لحاظ مبانی فکری در همین گروه قرار می‌گیرد. آثار چاپ‌نشده ایشان در این زمینه قطعاً فراوان است که نگارنده از محتوای آن بی‌اطلاع است ولی مبانی نظری وی را می‌توان از کتب و سخنرانی‌ها و سیره و فحوای کلام او نیز دریافت.

در کتاب «مبانی حقوق در اسلام»، وی فصلی به «حقوق ملت و دولت» اختصاص داده است و معتقد است «از جمله حقوقی که پیوسته در طول تاریخ دستخوش تضییع و نادیده انگاشتن بوده، خصوصاً بین مسلمانان و کشورهای فقیر، حقوق ملت است که [مراعات آن] بر عهده دولت‌ها نهاده شده و حتی تدوین و تبیین قوانین هم نتوانسته است دولت‌ها را نسبت به ایفاء این حقوق وادار نماید» و با استناد به خطبه‌یی از امیرالمؤمنین (ع) حق دولت بر ملت و حق ملت بر دولت را بزرگترین حقی می‌داند که خداوند سبحان واجب گردانید. بیشترین استناد او در این فصل به شیوه حکومتداری در کلام و سیره علی (ع) است اما اشارات مستقیمی به آیات کتاب خدا، حدیث و سیره پیامبر و سایرین و حتی کلماتی از حکماء نیز دارد. در این فصل آیت‌الله غروی به شیوه‌یی کاملاً دقیق، مستند و مستدل، اصول و فروع جامعه مردمسالار از دیدگاه اسلام را تبیین کرده است، مواردی چون تحقق آزادی در اسلام که شامل آزادی عقیده یا انتخاب دین، آزادی در بیان و احقاق حق، آزادی انتخابات، آزادی قلم و بیان و غیره را از مصادیق آشکار امر به معروف و نهی از منکر می‌داند. همچنین رابطه حاکم با مردم و حکومت عدل به خوبی تشریح شده است و نیز اصطلاحاتی چون امارت شایستگان، عدالت و مساوات و ظلم، پرهیز از خونریزی، لطف و محبت با ملت، رسیدگی به امور ملت، چگونگی انتخاب منشیان و دبیران دولت، صلح و آشتی با دشمن، شرایط رهبری، دروغ، امانت‌داری و بسیاری دیگر از این دست را با استناد به عهدنامه مالک اشتر به وضوح تشریح نموده است.

مجموعه کتب «خطبه‌ها و جمعه‌ها» نیز متن پیاده شده سخنرانی‌های ایشان در نمازهای جمعه و بخش کوچکی از مکتوبات و سخنرانی‌های علامه غروی است که در دوازده دفتر به چاپ رسیده و در آن بخش دیگری از دیدگاه‌های حکیم غروی در این زمینه را مشاهده می‌نماییم. «قرآن، علی و مجلس شورا» یکی از دو سخنرانی موجود در دفتر هفتم است که در آن به تفصیل از بخشی از خصوصیات حکومت مردمی علی سخن به میان آمده است. همچنین در دفتر هشتم «پیام علی به دولتمردان» را تشریح می‌کند و در دفتر نهم نیز «علی، آزادی و عدالت اجتماعی» را با استناد به عهدنامه مالک اشتر تبیین می‌نماید.

به راستی کلام او بسیار نافذ و مبهوت‌کننده است. آنجا که تیزبینانه می‌گوید «خیلی از ماها همانیم که بودیم، تربیت شده طاغوت! درست است که مقابل طاغوت ایستادیم، ولی صفات طاغوتی را به شکل دیگر که خودمان داشتیم، دور نینداختیم. منتظر بودیم که توانایی پیدا کنیم و آن صفات طاغوتی را باز به کار ببریم! باز احتکار بکنیم، باز انحصار بکنیم، باز ظلم بکنیم، باز دروغ به همدیگر بگوییم، باز خدعه و نیرنگ داشته باشیم. این نشد! اگر این طور باشد ما به نتیجه نمی‌توانیم برسیم» و مفهوم انقلاب حقیقی را بیان می‌کند و یا اینکه می‌گوید «طاغوت به اسم طاغوت نیست، شماها هم اگر آن روش را اتخاذ کنید طاغوتید»، خلاصه اینکه، این سخنان عالمانه در فضایی چنان پراحساس بیان گشته که انسان را به وجد می‌آورد و در این ایام که سالگرد انقلاب بزرگ و تاریخی مشروطیت است انسان را عمیقاً در اندیشه معنای واقعی انقلاب و مشروطیت فرو می‌برد.

گرچه در این مقاله کوشش گردید تا کلیاتی از تفکرات روشنفکرانه آیت الله غروی در دسترس قرار گیرد ولی این امر به طور کامل جز با مطالعه دقیق منابع نامبرده و نیز کتابها و سخنرانی‌هایی که ممکن است در آینده در این زمینه منتشر گردد محقق نخواهد شد.

